

حکم فقهی هیپنوتیزم در اسلام با تاکید بر نظرات فقهای امامیه

□ محمد رضا باقری پور *

چکیده

این که درمان بوسیله محرّمات برای بیماران جایز است یا نه؟ دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است. طبق نظر مشهور فقهای امامیه درمان به وسیله محرّمات حرام می باشد چرا که طبق روایات صحیحه، در حرام شفا نیست. وقتی شفایی در حرام نباشد بیمار اصلاً به حرام مضطر نمی شود تا بخواهیم به قانده اضطرار تمسک کنیم. اولین کسی که با این دیدگاه مخالفت کرد ابن براج بوده و بعد از آن علامه حلی و فقهای دیگر و در حال حاضر خیلی از فقهای معاصر هم با نظر ابن براج موافق هستند. آنها بر این نظراند که اگر شفا منحصر به حرام باشد و در صورتی که مندوحه‌ای در کار نباشد از باب ضرورت می توان آن حرام را مرتکب شد.

فقهای اهل سنت نیز مانند فقهای امامیه در این مسئله اختلاف نظر دارند. مشهور فقهای آنها مداوا کردن به وسیله محرّمات را حرام می دانند و دلیل آنها هم روایات متعددی است که محرّمات را فاقد شفا دانسته‌اند. و گروهی از آنان می گویند اگر درمانی غیر از محرّمات نباشد می توان به وسیله حرام، خود را درمان کرد و دلیلشان هم آیه اضطرار و حدیث لا ضرر است.

کلید واژه ها: درمان، مداوا، محرّمات، مسکرات، مذاهب اسلامی.

مقدمه

هیپنوتیزم علمی و عملی حدود دو قرن پیش کشف گردیده است، نظریات متفاوتی از ماهیت هیپنوتیزم و نحوه پیدایش آن، توسط متخصصین ارائه شده است. پدیده هیپنوتیزم در هاله ایی از ابهام و تعابیر درست و نادرست قرار گرفته است و این ابهامات شرایطی را فراهم می آورند که مرزهای واقعی این پدیده شناخته نشده و جایگاه واقعی آن مشخص نشود.

هیپنوتیزم از موضوعات نوپدید نیست؛ ولی درباره آن لازم است در نوشته های علمی در خصوص موضوع شناسی و احکام فقهی آن بحث های علمی مناسب و متقنی صورت گیرد. تحقیق حاضر به بررسی حکم فقهی هیپنوتیزم در فقه امامیه با تعیین چیستی هیپنوتیزم پرداخته سپس با رجوع به منابع دینی، نظرات فقهای امامیه و استنباط مراجع تقلید این مسئله را بررسی کرده است. (نوری، ۱۳۹۷، ص ۳۷)

مسئله و سوال اصلی این است که حکم فقهی هیپنوتیزم با توجه به نظرات فقهای امامیه چیست و مبنای فقهی آن کدام است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش در روشن شدن مبنا و حکم فقهی هیپنوتیزم برای مقلدان و حرمت یا عدم حرمت استفاده از آن در برخی از درمانگریها می باشد. شیوه تحلیل، در این پژوهش روش عقلانی و استدلالی و استنباطی است.

تاریخچه

ماهیت هیپنوتیزم یا خواب مصنوعی از توانایی هایی است که بر وجود و یا عدم این توانایی فوق حسی، میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. دانشمندان مشرق زمین از دیرباز از وجود نیرویی در انسان خبر می دادند که به وسیله استفاده از تکنیک های خاص امکان تأثیرگذاری در دیگران را به وجود می آورد. از این نیرو مصری ها، کلدانی ها و هندی ها برای درمان اعصاب و بی اشتهايي بهره می گرفتند.

ارتباط سیاله مغناطیسی و هیپنوتیزم اواخر قرن ۱۸ يك پزشك اتریشی بنام «مسمر» در سال ۱۷۷۵ میلادی وجود این سیاله مغناطیسی را به عنوان يك کشف علمی مطرح ساخت. يك روز

در جریان درمان يك روستايي متوجه شد او به خواب فرو رفته است. بیمار در حالي شبیه خواب فرو رفته بود که با خواب هاي معمولي فرق داشت و صدای خواب کننده را در این حالت می شنید و دستورات خواب کننده را انجام می داده است. بدین طریق وجود خواب مغناطیسی کشف شده و مشخص شد از طریق مانیتسیم (سیاله مغناطیسی) می توان به هیپنوتیزم دست یافت. وی با معالجاتی که به وسیله تلقین و خواب مصنوعی انجام داد شهرت فراوانی کسب نمود. او فرضیه مغناطیس شخصي یا مانیتسیم را بر سر زبان ها انداخت. نحوه ایجاد خواب مصنوعی روشهاي مختلفی دارد که هر کدام به نام یکی از پیشگامان این علم نامیده شده است. (الماسیان، ۱۳۸۵، ص ۷)

هیپنوتیزم در لغت و اصطلاح:

اصل واژه هیپنوتیزم از واژه یونانی hypnos به معنای «خواب» مشتق شده است. هیپنوتیزم یک حالت روحی خاص شبیه خواب آلودگی و القایی و ارادی است و در آن هشیاری و آگاهی هیپنوتیزم شونده فوق العاده افزایش می یابد. این آگاهی معمولاً بر روی مطالبی تمرکز می کند که توسط هیپنوتیزور به او ارائه می شود. درحالت هیپنوتیزم تلقین پذیری فرد و قدرت تخیلات و تصویر سازی ذهن افزایش می یابد و هر چه درجه هیپنوتیزم عمیق تر شود این خصوصیات نیز قویتر می شوند. (اورماند، ۱۳۷۲، ص ۱۴۹)

برخی از نظریه پردازان اعتقاد دارند که هیپنوتیزم چیزی جز یک تمرکز برتر نیست: «اصل هیپنوتیزم؛ تمرکز روح است بر شخصی که می خواهیم او را تحت تأثیر اراده خود قرار دهیم. با تمرکز روح بر اراده خود، آنچه را می خواهیم به طرف مقابل القاء می کنیم که با توجه به مجرد بودن نفس چنین امکانی در هر کس است». (طاهرزاده، ۱۳۸۸، ص ۵۷)

تعریف هیپنوتیزم از نظر علم روان شناسی و علومي که به آن مربوط می گردد به خاطر وسعت دایره وجود انسان و پیچیدگی های روحی او از تعاریف متفاوتی برخوردار است و علم هیپنوتیزم نیز از این قاعده مستثني نمی باشد. هیلگارد، روان شناس معروف، هیپنوتیزم را فرایندی خاص با خصوصیات متفاوت از رفتارهای عادی می داند. بعضی هیپنوتیزم را تغییر در حالت هوشیاری دانسته و آن را حالي بين خواب و بیداري می دانند که در این حالت خصوصيات خاص برای انسان به وجود آمده و درجه تلقین پذیری و جذب شدگی بالا می رود.

هیپنوتیزم

هیپنوتیزم از نگاه فردی تکنیکی است که فرد را در حالتی بنام «خلسه هیپنوتیزمی» قرار می دهد که در آن حالت فرد کنترلی بر رفتارهای خود نداشته و ممکن است اسرارش فاش شده و یا هرگز از آن حالت خارج نگردد. قوه جاذبه بدن یا مانیتیسیم، نیروی مرموزی در بدن انسان است که بدون توسل جستن بر وسائل عادی امکان اثرگذاری را بر انسان ها و اشیاء برای فرد به وجود می آورد. وجود این نیرو در انسان قابل تردید نیست ولی در افراد مختلف قوی و ضعیف می باشد. هر چند از این علم در درمان بعضی بیماری ها و به جای بیهوشی مورد استفاده قرار می گیرد ولی به واقع این اثرات را باید ناشی از بهره گیری از تلقین شخص عامل دانست. انحصار درمان از این راه تصویری خام بوده و در این رابطه جریانات انحرافی و گول زننده بسیاری وجود دارد. برخی معتقدند که ۸۰ درصد بیماری ها ریشه روانی دارند که در جسم، عوارض خود را نشان می دهند و با فراگیری این علم امکان درمان این بیماری ها وجود دارد. انرژی درمانی و درمان مشکلاتی همچون بروز اختلال شخصیت جوانان، کمرویی، بی خوابی شبانه، پرخاشگری از دیگر کاربردهای این علم است. در این روش تجربیات تلخ گذشته و یا شیفتگی ها و ترس های آینده که در اثر غفلت از زمان حال در شخص پدید آمده مورد توجه قرار گرفته و به درمان القائات و تخیلات ذهنی این فکرها می پردازند. هم چنین استفاده از هیپنوتیزم در عمل های جراحی و بیهوشی افرادی که به علت ویژگی های بد جسمانی امکان بی هوشی ندارند این امکان را به وجود می آورد که این افراد بدون احساس درد مورد عمل جراحی قرار گیرند. ارتباط هیپنوتیزم و تله پاتی یا خبر دادن از ضمیر افراد از ویژگی هایی است که بر اساس دیدگاه متافیزیک مطرح می شود. در این روش انسان می تواند با شفاف کردن نیروی مغزی خود با «امواج هوشیار هستی» ارتباط برقرار کند و از القائات آینده به صورت تصویر، آگاه شود. تله پاتی ارتباط ذهنی بین انسان ها است که برخی از اوقات این ارتباط ارادی بوده و گاهی غیر ارادی است. در تله پاتی به واسطه ارتباط فکری میان دو نفر انتقال فکر به وجود آمده و شخص می تواند مطلبی را از راه دور و از طریق انتقال فکر به دیگری منتقل کند. این ارتباط ممکن است با زندگان و یا با ارواح مردگان باشد. «گستاف» روان شناس دانشگاه لیورپول در رابطه با هیپنوتیزم می گوید: «هیپنوتیزم چیزی نیست مگر سطوحی از تلقین پذیری و تصورات روزانه با چاشنی مقداری خضوع در برابر

قدرت عامل و گاه گاهی تظاهر» در واقع بایستی حرکات و سخنانی که از معمول (هیپنوتیزم شونده) صادر می شود را از تلقینات عامل دانست. تکلم معمول و سوژه به زبانی که قبلاً نمی دانسته و یا خبر از منطقه این که قبلاً در آن نبوده همه از القانات هیپنوتیزم کننده بوده و بهره ایی از واقعیت ندارد و این انتقالات از طریق ذهن انجام می پذیرد. برخی هنوز تصور می کنند به هنگام هیپنوتیزم، یک فرد مقتدر و ماهر به طور فعال، فردی که حالت تسلیم به خود گرفته، کنترل می کند این تصور از واقعیت علمی به دور است. تصور وجود یک هیپنوتیزم و با قدرت زیاد و اسرار آمیز در مقابل فردی ضعیف و مقهور به قرن هجدهم باز می گردد که هیپنوتیزم با استفاده از نیروهای مرموز مغناطیسی صورت می گرفت هم اکنون روانشناسان هیپنوتیزم را به نوعی هدایت و راهنمایی سوژه توسط شخص عامل می دانند. آنچه بیشتر مردم را درباره هیپنوتیزم نگران می کند این است که آنها تصور می کنند در حالت هیپنوتیزم به حیوانی بی اراده تبدیل خواهند شد و کارهای عجیب و ناپسند خواهند کرد. در حالی که این تصور خیالی بی اساس بوده و واقعیت ندارد. هیپنوتیزم کمک می کند که بیمار از طریق تمرکز و خلسه های القایی در حالت خلسه و تلقین پذیری قرار گیرد. و بیماری ها و ناراحتی های روحی و جسمی از این طریق حل گردد. (کوپلن، ۱۳۸۹، ص ۳۵)

انواع هیپنوتیزم

هیپنوتیزم انواع مختلفی دارد که در یک تقسیم به هیپنوتیزم از راه نزدیک و هیپنوتیزم از راه دور منقسم می شود.

نوع اول: که هیپنوتیزم از راه نزدیک است نیز به دو قسم که خود هیپنوتیزم و دیگر هیپنوتیزم می باشد تقسیم می گردد.

الف) خود هیپنوتیزم در این روش شخص طریقه استفاده از این روش را می آموزد و نحوه درمان و تلقین را آموزش دیده و با روشی که آموخته است خود را در حالت خلسه قرار می دهد. در این روش فرد دیگری در هیپنوتیزم شدن دخیل نمی باشد

ب) دگر هیپنوتیزم: در این روش عمل هیپنوتیزم توسط شخص دیگری بر روی شخص صورت می گیرد. (کتاب الکترونیکی ویستا، هیپنوتیزم درمانی، ص ۴۸۲)

نوع دوم: یا تله هیپنوتیزم که از راه دور انجام می گیرد و هیپنوتیزم کننده از راه دور و بدون تماس

نزدیک بر هیپنوتیزم شونده تاثیر می گذارد. در این نوع هیپنوتیزم ممکن است هیپنوتیزم شونده هیچ اطلاعی از این تاثیر نداشته باشد و بدون اجازه وی انجام شود. برای انجام این نوع از هیپنوتیزم، هیپنوتیزم کننده باید انرژی های فراحسی را بشناسد. (گلامرج الیاسی، ۱۳۹۵، ص ۳۷)

تقسیم دیگر هیپنوتیزم به فردی و گروهی است که در نوع اول هیپنوتیزم شونده یک نفر است و اما در نوع دوم عمل هیپنوتیزم همزمان بر روی چند نفر انجام می شود. در این نوع هیپنوتیزم عمل پذیرش افراد افزایش می یابد و وقوع آن آسان تر انجام می پذیرد. (ولیزاده، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵)

حالات مختلف هیپنوتیزم شونده هنگام خواب:

زمانی که هیپنوتیزم شونده به خواب می رود برای وی یکی از حالات زیر اتفاق می افتد:

۱ - در حال خواب آنچه بر وی می گذرد به خاطر می سپارد و در زمان بیداری آن را بازگو می نماید.

۲ - سخنان هیپنوتیزم کننده را می شنود و به سخنان سایر افراد پیرامون خود توجهی ندارد. لذا در هنگام بیداری آنچه را که هیپنوتیزم کننده به او گفته به یاد می آورد و بازگو می کند.

۳ - هیپنوتیزم شونده به هنگام خواب هیچ چیز را به خاطر نمی سپارد و هنگامی که از حالت خواب هیپنوتیزمی خارج شد از آنچه اتفاق افتاده بی اطلاع است و یا اینکه اصلاً مدعی می شود که خواب نبوده است. (علی خواه، ۱۳۷۹، ص ۸۲)

انواع خواب هیپنوتیزم شونده:

حالات خواب در شخص هیپنوتیزم شونده مختلف است و به سه دسته کلی تقسیم می شود:

الف) خواب ولتاژی یا موت کاذب؛ این خواب شبیه مرگ است ضربات قلب و نبض آرام میزند تنفس خفیف چهره رنگ پریده و عضلات بدن کاملاً شل میشود ایجاد این حالت از خواب در هیپنوتیزم برای رفع خستگی است.

ب) کاتالاسپی یا انجماد بدن؛ در این حالت عضلات دست و پای هیپنوتیزم شونده کاملاً سفت و محکم می شود و تمامی بدن مانند چوبی خشک می گردد در این حالت چنانچه هیپنوتیزم شونده روی صندلی قرار داشته باشد به طرف پایین خم نخواهد شد.

ج) سمنامبول یا خوابگردی: برخی از افراد خود به خود دارای این حالت هستند یعنی شبها در

خواب راه می روند از اتاقی به اتاق دیگر حرکت می کنند و دوباره به محل خواب خود بر می گردند. در حالت خلسه دستوراتی به فرد هیپنوتیزم شده می دهند و او انجام می دهد. از جمله کارهایی که هیپنوتیزم شونده را می توان به آن وادار کرد؛ به نوشیدن آب و خوردن غذا، احساس سردی و گرمی، خندانند، گریانند و کارهایی از این قبیل؛ اما آنچه مهم است اینکه زمانیکه از سوژه خواسته می شود کارهایی همچون خوردن و آشامیدن و... را انجام دهد، حالت کسی را می گیرد که واقعاً در حال انجام آن کار است و بعد از آن اگر از او در مورد سیری یا گرسنگی سوال شود پاسخ می دهد که سیر شده است و حال آنکه نه چیزی خورده و نه کاری انجام داده است.

همچنین می توان با هیپنوتیزم فرد را به زمانهای گذشته دوران کودکی و نوزادی و جنینی برد. از جمله کارهای دیگری که هیپنوتیزم شونده انجام می دهد این است که اگر یکی از اقوام وی سالها پیش مرده باشد و بخواهد او را ببیند با چند تلقین در حالت خواب می تواند او را ببیند البته این روح نیست بلکه حالتی شبیه خواب دیدن است زیرا همه مردم در حالت خواب نیز مردگان را می بینند (طاووسی، ۱۳۹۶، ص ۵۴۰).

جنبه های درمانی هیپنوتیزم

هیپنوتیزم درمانگری جسمی و روانی دارد؛ البته در درمانگری روانی کاربرد بیشتری دارد و در درمان بیماری های جسمی زمانی که ریشه روانی داشته باشد کاربرد دارد. به وسیله هیپنوتیزم برای شناخت و درمان عوامل بیماری هایی که از لحاظ جسمی هیچ دلیلی برای آن نیست استفاده می شود. مانند: درمان بیماری تنگی نفس، لکنت زبان، سردرد، افسردگی، بی حوصلگی که همه آنها امراضی هستند که نشانه های آن در جسم ظاهر می شود اما در اکثر موارد دلیلی برای آن در جسم مشهود نیست زیرا علت آن اضطراب و فشارهای روانی است که بر شخص وارد می شود.

هیپنوتیزم در تغییر شخصیت افراد نیز موثر است و می توان به وسیله آن خلق و خوی های منفی را از بین برد و البته این تغییرات بستگی به قدرت تلقین پذیری هیپنوتیزم شونده دارد. جنبه درمانگری هیپنوتیزم به موارد ذکر شده محدود نمی شود بلکه می تواند هر بیماری که ریشه عصبی دارد را تا حدود زیادی درمان کند و همین طور برخی از بیماری های جسمی که منشأ

عصبی ندارد را در برخی موارد درمان می کند. هیپنوتیزم در کم کردن درد زایمان درمان اعتیاد به الکل و.... می تواند موثر باشد. (کتاب الکترونیکی ویستا، هیپنوتیزم، ص ۱۲۵)

عوارض هیپنوتیزم

هیپنوتیزم در کنار تمام محاسنی که دارد، معایبی نیز دارد. از جمله اینکه باعث ایجاد رابطه عاطفی بین هیپنوتیزور و سوژه درمانی که از دو جنس مخالف باشند، ایجاد می شود. همچنین باعث ایجاد توهم قدرت در عامل و احتمال دیوانگی یا مرگ سوژه، و همینطور اثرات سوء در اثر تلقینات بیش از حد در سوژه می شود. درد در نقاطی از بدن بعد از اختلالات روان پریشی و سخت بیدار شدن سوژه نیز از معایب آن است. همچنین ممکن است برای بیماران قلبی و عصبی و متابولیستی مضر باشد.

از عوارض دیگر اینکه گروهی بر این باورند که ممکن است خواب رفته دیگر بیدار نشود. اما بسیاری این عارضه را نمی پذیرند و می گویند به هیچ وجه این نظریه درست نیست زیرا اگر به عمد هم سوژه را به حال خود رها کنیم و او را از خواب بیدار نکنیم باز هم سوژه از خواب بیدار خواهد شد و اگر در برخی موارد سوژه دیر از خواب بیدار می شود به این دلیل است که در حالت عمیق هیپنوتیزم قرار دارد و یا از خواب مصنوعی به خواب طبیعی وارد شده است پس باید به همان شیوه‌ای که شخص را از خواب طبیعی بیدار می کنیم سوژه را نیز از خواب بیدار کنیم. (رهبرزاده، ۱۳۷۸، ص ۵۷-۵۸)

هیپنوتیزم در اسلام

از آنجا که پدیده هیپنوتیزم یکی از مسائل نسبتاً جدید در منابع دینی است، سخن از آن در میان علمای گذشته کمتر به چشم می خورد، و علمای معاصر نیز، این موضوع را بیشتر ذیل بحث از سحر و جادو آورده اند. هیپنوتیزم یا تاثیر روحی بر دیگران، استعدادی است که در اکثر انسان ها است، اگر انسان آن استعداد را مدیریت کند طوری رشد می کند که شما حاصل آن را در عمل آنهایی که بقیه را هیپنوتیزم می کنند، می یابید. هیپنوتیزم؛ تمرکز روح است بر شخصی که می خواهیم او را تحت تاثیر اراده خود قرار دهیم. با تمرکز روح بر اراده خود، آنچه را می خواهیم به طرف مقابل القاء می کنیم. با توجه به مجرد بودن نفس چنین امکانی در هر کس است، آنچه

نباید مورد غفلت قرار گیرد حوزه تاثیر عمل هیپنوتیزم است که عبارت است از «خیال». نکته دیگر نقش تمرکز است، نفس انسان با تمرکز و یگانه کردن اراده، قدرت نفوذ پیدا می کند. همان طور که خداوند که عین یگانگی و احدیت است دارای نفوذ مطلق است، نفس انسان نیز در تمرکز نفس، به نحوه ای از وحدت دست می یابد و به همان اندازه قدرت و نفوذ پیدا می کند. هنر تمرکز را عده ای با نظم خاص و جهت امر خاصی شکل دادند و هیپنوتیزم را پدید آوردند. هیپنوتیزم یک نوع تمرکز روح است بر روح طرف مقابل و نسبت به تمرکزهایی که موجب تصرف در امور مادی می شود آسان تر است. طرف با دستوراتی که می گیرد ذهنش را روی موضوعی خاص متمرکز می کند و چون تمرکز، قدرت می آورد می تواند اراده خود را بر اراده طرف مقابلش تحمیل کند.

حالات هیپنوتیزم و احکام آن

در عمل هیپنوتیزم حالاتی مشاهده می شود که لازم است از دیدگاه فقه به آن پرداخته شود. حالاتی چون: خارق العاده و غیرطبیعی بودن هیپنوتیزم، سلطه بر انسان که در همه موارد به چشم می خورد، تسخیر انسان که در بعضی از درجات آن حاصل می شود، اصرار به غیر در برخی موارد آن، اطلاع بر امور شخصی افراد اخبار از غیب و استمداد از جن.

در باره حالت اول، بعید نیست بگوییم در برخی از انواع هیپنوتیزم سه عنصر سحر تحقق پیدا می کند. اما عنصر "اسباب خفیه" در همه انواع هیپنوتیزم موجود است و عنصر "علی وجه الخدعه" نیز منوط به این است که در فرآیند هیپنوتیزم آیا فردی که هیپنوتیزم می شود، لازم است به تاثیر این فرآیند ایمان داشته باشد یا بدون باور به آن هم هیپنوتیزم می شود؟ ظاهر کلمات متخصصان این فن، عدم نیاز به هوشیاری فرد نسبت به عمل هیپنوتیزم است. زیرا این عمل را در مورد حیوانات پیاده کرده اند و به نتایج جالبی رسیده اند. لذا پذیرش و عدم پذیرش فرد دخلی در این مقوله ندارد. بله، برخی افراد ذاتاً هیپنوتیزم در آنها ممکن نیست و برخی فقط مراحل سبک هیپنوتیزم در باره آنها ممکن است. در مقام، فقط امکان تحقق عنصر سوم باقی می ماند یعنی صرف الشی عن حقیقه" که این عنصر نیز در برخی حالات هیپنوتیزم مشاهده می شود؛ مثلاً در مواردی که تغییر هویت در شخص پدید می آید این تغییر هویت، یک امر واقعی نیست، بلکه شخص تصور می کند که هویتی دیگر پیدا کرده است. بنابراین برخی انواع هیپنوتیزم از مقوله

سحر است و حکم حرمت شامل آن می شود لذا مورد به مورد، باید بررسی شود که آیا از موارد سحر به شمار می رود یا خیر؟

حکم تسخیر انسان

در کتب فقهی در باب سحر و کفایت مطالبی پیرامون تسخیر ملائکه و جن و شیاطین و حیوانات به چشم می خورد که فقها در برخی موارد به صورت مطلق حکم به جواز کرده اند؛ مانند: تسخیر شیاطین و جن های کافر و حیوانات و در بعضی موارد مشروط به اینکه کسی که در تسخیر درآمده است آزار و اذیا نشود؛ البته در همه این موارد یک شرط کلی وجود دارد که تسخیر از راههای مشروع باشد. (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۱)

درباره تسخیر انسان، صاحب عمده الطالب بعد از حکم به جواز تسخیر حیوانات به واسطه سحر، به طریق اولویت، در مورد تسخیر مؤمن می فرماید: « بل لنا أن نقول يجوز تسخير المؤمن من الانس اذا لم يكن فيه ايداء و اكراه لعدم الدليل على حرمة؛ (طباطبائی قمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۷) در مورد تسخیر انسان مؤمن هم ما قائل به جواز می شویم؛ البته در صورتی که مستلزم آزار و اذیت فرد مؤمن نشود، زیرا دلیلی بر حرمت تسخیر نداریم.

از کلمات این فقیه چنین برداشت شود که حکم غیر مؤمن ملحق به حکم تسخیر حیوانات است که در آن شبهه ای نیست.

آیت الله خوئی هم به جواز تسخیر مؤمن تصریح می کند، البته در صورتی که ظلمی در حق او نباشد. (خوئی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۹۷)

صدق عنوان إضرار بر هیپنوتیزم

إضرار در هیپنوتیزم به سه گونه متصور است که برخی از آنها جنبه عنوان ثانوی پیدا می کند، یعنی هیپنوتیزم ممکن است فی نفسه اشکال نداشته باشد و إضرار نباشد، اما از جهت انطباق عنوان إضرار بر آن حرام باشد: ۱- إضرار از مقومات هیپنوتیزم باشد، به این صورت که فرد در حالت هیپنوتیزم متحمل فشار و آزار است. ۲- إضرار غالباً از هیپنوتیزم منفک نیست و از تبعات آن می باشد، مثل فردی که بعد از عمل هیپنوتیزم دچار افسردگی یا برخی بیماریهای عصبی شود. ۳- هیپنوتیزم فی نفسه ضرر ندارد، اما به قصد اضرار به فردی که هیپنوتیزم می شود

انجام گیرد، مثلاً از فرد اعترافی می گیرند که به ضرر اوست یا بر اطلاعات شخصی او احاطه پیدا کنند.

مورد سوم بدون شک حرام است و همه بحث درباره دو مورد است که آیا هیپنوتیزم پیامدهای ایضاری دارد؟ و آیا خودش با قطع نظر از پیامدهایش ایضاری هست؟ و در صورت ایضاری بودن یا داشتن پیامدهای ایضاری، با وجود اقدام فرد بر ضرر، حکم حرمت بر آن منطبق است یا خیر؟

بررسی صفروی

محققان و متخصصان فن هیپنوتیزم اتفاق دارند که عمل هیپنوتیزم فی نفسه خالی از هرگونه عارضه و پیامد سوء است، بلکه عوارض فیزیکی آن به سردرد، گیجی و خواب آلودگی بعد از هیپنوتیزم محدود می شود. لازم به ذکر است که این عوارض معمولاً ناشی از کم تجربی هیپنوتیزم کننده و عدم تسلط کافی بر تکنیک های هیپنوتیزم می باشد.

یکی از قابلیت های هیپنوتیزم کنترل درد هاست و بسیاری مایلند به جای استفاده از مسکن ها از این روش برای درمان استفاده کنند تنها خطر احتمالی استفاده از هیپنوتیزم در کنترل درد این است که درمانگر و مراجع بدون ریشه یابی علت درد اقدام به بین بردن درد کرده و نیاز مراجع به درمان های پزشکی را نادیده بگیرد و درمان بیماری را به تاخیر بیندازد، به همین علت نباید از هیپنوتیزم برای کنترل دردهای ناشناخته استفاده کرد همچنین هنگام درمان با هیپنوتیزم ممکن است شخص به عقب برده شود تا خاطرات کودکی خود را دوره کرده و موردی را که باعث آسیب روانی او شده پیدا کند، پرسیدن سوال های جهت دار ممکن است باعث جهت گیری ذهن مراجع شده و خاطراتی را بسازد که واقعیت نداشته باشد به همین علت هیپنوتیزم کننده باید هنگام هیپنوتیزم تنها از سوالهای باز استفاده کرده و اجازه دهد مراجعه کننده هرچه را به خاطر می آورد بازگو کند. بنابراین، اگر هیپنوتیزم کننده از مهارت کافی برخوردار باشد ضرری متوجه فرد مورد هیپنوتیزم نمی باشد.

بحث کبروی

از آن جهت که فرایند هیپنوتیزم نیاز به آگاهی و علم هیپنوتیزم شونده به اجرای آن بر روی خود

ندارد، این فرآیند به دو صورت متصور است: آگاهانه و غیر آگاهانه، لذا بحث اضرار در هر دو صورت باید مورد بررسی قرار بگیرد.

صورت غیر آگاهانه، به این شکل که فرد ناخواسته مورد هیپنوتیزم واقع می‌شود، بدون هیچ شک و شبهه‌ای اگر هیپنوتیزم مستلزم اضرار باشد محکوم به حرمت است، ولی چنانچه اضراری در بین نباشد جایز است، زیرا در مورد تسخیر مومن در صورتی که ضرری در پی نداشته باشد وقتی حکم به جواز کردیم، در اینجا هم به طریق اولی حکم به جواز می‌کنیم.

اما صورت آگاهانه، اکثر فقیهان که دلالت قاعده لاضرر را بر نهی از اضرار قبول دارند، قاعده را از اضرار به نفس منصرف می‌دانند لذا آن را از تحت قاعده خارج می‌دانند (طباطبایی قمی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۸). آنان در برخی از مسائل مشابه که ضررهایی برای شخص وجود دارد خود بر ضرر اقدام کرده باشد، قائل به جواز شده‌اند و می‌فرمایند دلیلی بر عدم جواز نداریم، مگر اینکه ضرر به حدی باشد که غیر قابل تحمل باشد. مثلاً در بیع و اهدای اعضای بدن که ضررش در برخی موارد به مراتب بیشتر از هیپنوتیزم است مرحوم آیت الله فاضل می‌فرمایند: فی نفسه دلیلی بر عدم جواز ندارد، مگر آنکه خطری زندگی او را تهدید کند، یا مشکلاتی را در پی داشته باشد که غیر قابل تحمل است. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲، ص ۵۶۵)

البته برخی دیگر از فقیهان قائل به عدم جواز می‌شوند و مستند خود را عدم سلطه انسان بر خودش می‌دانند. (سبزواری، ۱۴۱۱ق، ص ۲۱) بنابراین، مسئله جواز اضرار بر نفس و همین‌طور تسخیر که یک هیپنوتیزم کننده به گونه‌ای بر نفس هیپنوتیزم شونده مسلط می‌شود، مبتنی بر این است که سلطه انسان بر خودش را جایز بدانیم یا خیر؟ این بحث در ادامه بعد از بحث ارتباط با جن خواهد آمد.

اخبار از وقایع گذشته و آینده

در برخی موارد، فرد هیپنوتیزم کننده با تسخیر هیپنوتیزم شونده، او را به گذشته اش می‌برد و از وقایعی که در دوران کودکی برای او اتفاق افتاده است خبر می‌دهد، یا او را واسطه خود و جن قرار می‌دهد و از طریق جن از وقایعی که در گذشته اتفاق افتاده است خبر می‌دهد.

در هر صورت آنچه مسلم است این که اخبار او از وقایع گذشته است نه از وقایع آینده، در حالی که مورد نزاع بین مشهور فقیهان اخبار از وقایع آینده است و در مورد جواز اخبار از گذشته

اختلافی ندارند. البته هیپنوتیزم کننده باید جازم باشد و گرنه مستلزم کذب حرام است.

«لا اشکال فی جواز الاخبار عن الامور الماضیه اذا کان المخبر جازما بوقوعها، و انما الکلام فی الاخبار علی سبیل الجزم علی الحوادث الاتیة». (خویی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۹)

البته در این مقام روایت هشتم از امام صادق علیه السلام نسبت به اخبار از حوادث گذشته اطلاق دارد؛ سائل از حضرت در مورد فردی می پرسد که مردم از او در مورد اشیا دزدیده شده و مواردی مشابه سوال می کنند: آیا جایز است ما هم از او سوال کنیم حضرت در جواب می فرماید:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من مشی الی ساحر او کاهن او کذاب یصدقه فیما یقول فقد کفر بما انزل الله من کتاب». (حرعاملی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۵۰) البته بعید نیست بگوئیم روایت، حرمت اخبار را منحصر کرده در ساحل و کاهن و کذاب، نه اینکه هرکس از غیب خبر دهد مرتکب حرام شده است. لذا شامل مواردی که هیپنوتیزم کننده با جن در ارتباط نیست نمی شود علاوه بر این که روایت به علت مجهول بودن هشتم ضعیف است.

چگونگی سلطه انسان بر خویش

بحث سلطه انسان بر خودش در قسمت های مختلفی از فقه آمده است مثل: بحث اثبات ولایت فقیه، بیع اعضای بدن، اجاره نفس و منافع و... مشهور بین فقیهان این است که انسان بر خودش سلطه دارد و عمده دلیلی که بدان استدلال می کنند، سیره عقلاست که شارع ردعی از آن نکرده است، به عنوان نمونه امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: در نزد عقلا مردم بر خودشان مسلط هستند همانگونه که بر اموالشان تسلط دارند، بلکه در زمان ما فروش خون و جسد انسان توسط خودش برای تشریح و آزمایش های مختلف متعارف است، این تعارف از جهت این است که نزد عقلا شخص بر خودش مسلط است، لذا تسلط انسان بر خودش عقلایی است. (خمینی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۲)

با توجه به پذیرش سلطه انسان بر خودش، او می تواند به هیپنوتیزم کننده این اختیار را بدهد تا بر نفسش مسلط شود و آن را به هر کجا بخواهد هدایت کند تا اطلاعات لازم را به دست بیاورد.

در مورد جن های مومن نیز این قضیه صادق است یعنی برای تسخیر آن ها نیاز به اجازه آن هاست، لذا در صورت نداشتن اجازه تسخیر و تسلط بر آنها هر چند منجر به ضرر نشود، جایز

نمی باشد و اگر این قاعده را نپذیریم، امر به مراتب سخت تر می شود، زیرا حتی در صورت اجازه، تصرف در نفس افراد جایز نیست، مگر در مواردی که سیره عقلا بر آن قائم شده است و ردی از طرف شارع صورت نگرفته است. اگر تنها دلیل تسلط انسان بر نفس خویش را سیره عقلا بدانیم، مطلق سلطنت انسان بر خویشتن ثابت نمی شود، زیرا تنها در مواردی می توان به سیره تمسک کرد که سیره بر آن قائم شده و شارع نیز مخالفتی با آن نکرده باشد. در حالی که تسخیر انسان و جن و امور مرتبط به آن، از مواردی نیست که سیره عقلا بر آن قائم شده باشد، گرچه در برخی موارد، مثل اجاره نفس، یا برای درمان، چنین سیره ای وجود دارد که همراه با اذن بوده است مگر، در حالات اضطرار که اجازه از شخص ممکن نباشد، مانند مریضی که نیاز به عمل جراحی دارد و هوشیاری کافی برای اذن دادن ندارد، که از باب مصلحت اهم که حفظ نفس است، تسخیر در اینگونه موارد را جایز می دانند و لکن در موارد غیر اضطراری و آن جا که اذن تسخیر شده وجود ندارد چنین سیره ای نداریم تا حکم به جواز سلطه دیگران بر نفس کنیم. (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۸)

فتاوی و استفتائات فقهای امامیه

بعضی از علماء، با توجه به وجود برخی از مفاسد و سوء استفاده ها از این علم، آن را به صورت کلی حرام کرده اند. چرا که در بعضی از این علوم مسیر زندگی از مجرای عادی و طبیعی خارج شده و زمینه ایی برای بسیاری از فریبکاری ها و شیادی ها به وجود می آید. هم چنین ممکن است موجب کشف و افشای اسرار دیگران از طریق این علوم فراهم آید و حقایقی که نباید برملا شود بر ملا گردد. آیت الله گلپایگانی در پاسخ استفتائی چنین بیان داشته اند: «(علم هیپنوتیزم) حرام است و برای معالجه در صورتی که طریق معالجه منحصر به آن باشد و موجب کشف اسرار دیگران نشود اشکال ندارد». (گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۹۹)

برخی دیگر از فقهاء، به طور کلی یادگیری هیپنوتیزم و استفاده از آن به غرض عقلائی حلال و قابل ملاحظه را جایز می دانند به شرط اینکه با رضایت و موافقت کسی باشد که می خواهد به خواب مصنوعی برود و ضرر معتنا بهی هم برای او نداشته باشد. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۹۸۱؛ خامنه ای، ۱۳۹۵، ص ۷۲)

آیت الله مکارم شیرازی نیز می فرمایند: «استفاده از هیپنوتیزم برای مقاصد طبّی و مانند آن

مشروع است، مشروط بر اینکه تجربه و آگاهی کافی داشته باشد، و آثار منفی و خلاف شرعی بر آن مترتب نگردد. ولی برای کشف امور پنهانی، یا اطلاع از گذشته و آینده و حال جایز نیست». (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۱۶)

آیت الله تبریزی در پاسخ به استفتاء بیان داشته: «در هیپنوتیزم، چنانچه خوف ضرر بر کسی که این عمل با او انجام می‌گیرد یا شخصی دیگر داده شود جایز نیست». (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۶۰) و آیت الله شبیری زنجانی می‌گویند: «اگر مفسده‌ای بر آن مترتب شود، مانند اینکه عیوب دیگران معلوم شود یا بدون رضایت شخص باشد، استفاده از آن حرام است». (شبیری زنجانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵)

بحث و نتیجه گیری

فقها در این موضوع دیدگاه‌های مختلفی دارند؛ چرا که حکم هیپنوتیزم و درمان با آن حسب موارد و درجات آن متعدد می‌شود. برخی از فقهاء نظر به مفسد و سوء استفاده‌ها از این علم آنرا حرام می‌دانند و برخی دیگر به طور کلی یادگیری هیپنوتیزم و استفاده از آن به غرض عقلائی حلال و قابل ملاحظه را جایز می‌دانند به شرط اینکه با رضایت و موافقت کسی باشد که می‌خواهد به خواب مصنوعی برود و ضرر معتنا بهی هم برای او نداشته باشد. برخی از موارد مصداق سحر است که اگر از موارد استثنا سحر به شمار برود حرمت نخواهد داشت.

با توجه به آنچه بحث شد، درمان با هیپنوتیزم اگر با رضایت خود فرد بیمار باشد و مفسده‌ای بر آن مترتب نشود و همچنین خوف ضرر و زیان معتنی به نباشد، جایز خواهد بود و در غیر اینصورت جایز نباشد. به عبارتی از کلام فقها چنین نتیجه گرفته می‌شود که هیپنوتیزم به طور مطلق حرام نیست مگر مستلزم حرام دیگری باشد که از جهت حرمت ثانویه، حرام می‌باشد.

کتابنامه

- الماسیان، حسین (۱۳۸۵)، هیپنوتیزم و روان شناسی، چاپ تکثیر، تهران.
- اورماند، مک گیل (۱۳۷۲)، دائرة المعارف هیپنوتیزم، مترجم جمالیان، سید رضا، جمال الحق، تهران.
- تبریزی، میرزا جواد (۱۳۸۵)، استفتاءات جدید، ج ۲، سرور، قم.
- حر عاملی، محمد حسن (۱۴۲۷ ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۷، الاعلمی للمطبوعات، قم.
- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۵)، احکام پزشکی، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، استفتاءات، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی، تهران.
- (۱۴۲۶ ق) کتاب البیع، ج ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ ق)، مصباح الفقاهه، انتشارات انصاریان، قم.
- رهبزاده، حسن (۱۳۷۸)، انرژی درمانی یا شاهکار خلقت، نشر پارسا، تهران.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۱ ق)، مهذب الاحکام، ج ۲۹، دارالتفسیر، قم.
- شیرازی، موسی (۱۳۹۷)، استفتاءات، مرکز فقهی امام محمد باقر (ع)، قم.
- علی خواه، محمد مهدی (۱۳۷۹)، هیپنوتیزم چیست؟، کتاب سبز، تهران.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳)، جامع المسائل، امیر، قم.
- قاسمی، محمد علی (۱۳۹۵)، دانشنامه فقه پزشکی، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم.
- کوپلن، ریچل (۱۳۸۹)، هیپنوتیزم پیشرفته، ترجمه جمشید هاشمی، نشر تجسم خلاق، تهران.
- گلامرج الیاسی، حامد (۱۳۹۵)، همه چیز درباره هیپنوتیزم، موسسه فرهنگی تبیان، قم.
- گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۹ ق)، مجمع المسائل، ج ۵، دارالقرآن الکریم، قم.
- طاووسی، شعبان (۱۳۹۶)، خودهیپنوتیزم، نشر درسا، تهران.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۸)، جایگاه جنّ، شیطان و جادوگر در عالم، لب المیزان، اصفهان.
- طباطبایی قمی، سید تقی (۱۳۷۱)، عمده المطالب، ج ۱، دارالعلم، قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ق)، استفتاءات، ج ۳، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم.
- (۱۳۹۴)، احکام پزشکی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم.
- نوری، عباس (۱۳۹۷)، هیپنوتیزم درمانی در فقه امامیه، فقه و اجتهاد، شماره ۹.
- ولیزاده، احمد و محمد زاده، علی اکبر (۱۳۷۸)، پژوهشی در روانشناسی هیپنوتیزم، نشر تلاش، تهران.